

گزارش تصویری از بازار پارچه احسانی (عبدل آباد)

درنا احمدی

بل و ولنتاین (۱۹۹۷) معتقدند بازارها همچنان نقش محوری و مهمی در فرهنگ مصرفی شهرها دارند. بازارها مراکز تجمعی هستند که در آنها همه ی سویه های زندگی، حیات اجتماعی و ارتباطات به اشتراک گذاشته می شوند. خصلت ویژه بازار سنتی که ترکیبی از قیمت های پایین - غرفه های تخصصی و لفاظی های فروشندگان است، موجب جذابیت همیشگی و محبوبیت این نوع از بازار می گردد.

بازار عبدل آباد یکی از بازارهای جنوب شهر تهران است که در منطقه ۱۹ واقع شده است. یکی از جاذبه های این بازار، قیمت مناسب و تنوع اجناس می باشد.

بازار به معنای سنتی و شرقی آن در عبدل آباد زنده است. دستفروشان ثابت و سیار جلوه ای خاص به آن داده اند، از زمان ورود به بازار صدای تبلیغات و چانه زنی و همه به تو اجازه نمی دهد تا گذر زمان را احساس کنی.

در فصل تابستان و بهار، اوج شلوغی بازار از ساعت ۵ عصر الی ۸ و نیم شب است و در زمستان به دلیل سردی هوا، بازار تا ۷ یا نهایتاً ۸ عصر تعطیل شده و فروش نیز به مراتب کمتر از تابستان است، مگر در ماههای بهمن و اسفند که تمامی صنوف این دو ماه را ماه رونق و اصطلاحاً « فصل بازار» می دانند.

* تمامی تصاویر متعلق بتاريخ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۸ بوده و در حوالی ساعت ۱۸ الی ۲۰ عصر تهیه شده اند.



تصویر شماره ۱

از ایستگاه متروی عبدل آباد (خط ۳ متروی تهران؛ قائم - آزادگان) تا بازار پارچه احسانی (معروف به عبدل آباد) ۴ دقیقه با پای پیاده فاصله است.

اطراف ورودی مترو، مانند اغلب ایستگاههای دیگر؛ فروشندگان خیابانی بساط کسب خود را پهن کرده اند.

گرچه لباس و شال فروش اجناس خودشان را از بازار بزرگ تهیه کرده اند، بساط لوستر فروشی، لوستر و چراغ تولیدی کارخانه خودشان را جهت بازاریابی و فروش اینجا آورده است و می گوید داخل بازار احسانی نیز مغازه دارند و تمام فروشندگان نیز از عموزادگان و دوستان خودشان است.

.....



تصویر شماره ۲

ورودی خیابان انقلاب.

پایانه حمل و نقل شهید سروری با فاصله ی سیصد متری به بازار، یکی از نزدیکترین پایانه های شرکت اتوبوسرانی به بازار عبدل آباد است و در کنار خط مترو به تسهیل عبور و مرور منطقه بسیار کمک کرده نموده است.

.....



تصویر شماره ۳

نیش خیابان شهید داوود احسانی و خیابان انقلاب

ورودی بازار

بازار احسانی اگرچه نام بازار بر آن نهاده ایم، اما در سرتاسر آن، علاوه بر پلاک تجاری، پلاک های مسکونی نیز وجود دارند.

شروع ساعت رونق بازار



تصویر شماره ۴

خیابان روبروی بازار احسانی

غالب فروشندگان این راسته نیز پارچه و پرده فروشی هستند. اما بنا به دلایلی رونق احسانی را ندارد!



تصویر شماره ۵

چادر و پارچه فروشان بازار

امروزه بازار عبدال آباد را به نام بازار پارچه و پرده می شناسند و مشتریان قیمت و جنس آن را از مولوی نیز مناسب تر عنوان می کنند.

گرچه شروع بازار با فعالیت فروش پارچه های متری و کیلویی آغاز گشت و رونق گرفت، اما طبق گفته ساکنین محله، بازار دیگر آن رونق دهه ۸۰ را ندارد.

یکی از اهالی که مردی ۴۵ ساله است می گوید:

قبلا کارخونه های پارچه، ته طاق رو می ریختن بیرون یا به یه قیمت خیلی پایین می دادن به کاسب.

اما الان دیگه کارخونه ها تو این حجم دور ریز ندارن، اگه قبلا پارچه های اینجا ارزون بود، الان دیگه فرقی با جاهای دیگه نداره، چون همینم از بازار بزرگ میاره، تازه یه چیزم میذاره روش!

با این اوصاف هنوز هم قیمت و جنس پارچه ها مناسب است و از هر قشرو طبقه و شغلی در بازار مشغول خرید کردن می باشند.

مانند زنی ۴۰ ساله که از منطقه قلعهک برای خرید رو تختی جهت مصرف در هتل آمده بود.

.....



تصویر شماره ۶

نظافت بازار بر عهده شهرداری می باشد. طبق بیانات ساکنین، بعد از تعطیلی بازار (هر زمان که بازار تعطیل شود، چه در ۸ شب و چه ۲ نصفه شب). مامورین موظفند تا پایان ساعت کاری بازار صبر کنند و سپس تمام ریخت و پاش ها و شلوغی های یک روز کاری را تمیز نمایند.



تصویر شماره ۷

تلفیقی زیبا از بازار و مسجد.

احمد اشرف (اقتصاد دانان) در تعریف خود از بازار ایران در دایره المعارف ایرانیکا معتقد است، بازار در تعامل دائم با مسجد به عنوان یک عنصر دینی قرار دراد که اساس شکل گیری نظام های آن مذهب شیعه است.

گرچه زمان اذان در مسجد باز است، اما آن استقبال بازاریان قدیم از مسجد به چشم نمی آید.

این می تواند به دلیل پایین بود ترکیب سنی فروشندگان و صاحبان مغازه باشد.

مسجد علی ابن ابی طالب تاسیس ۱۳۶۰

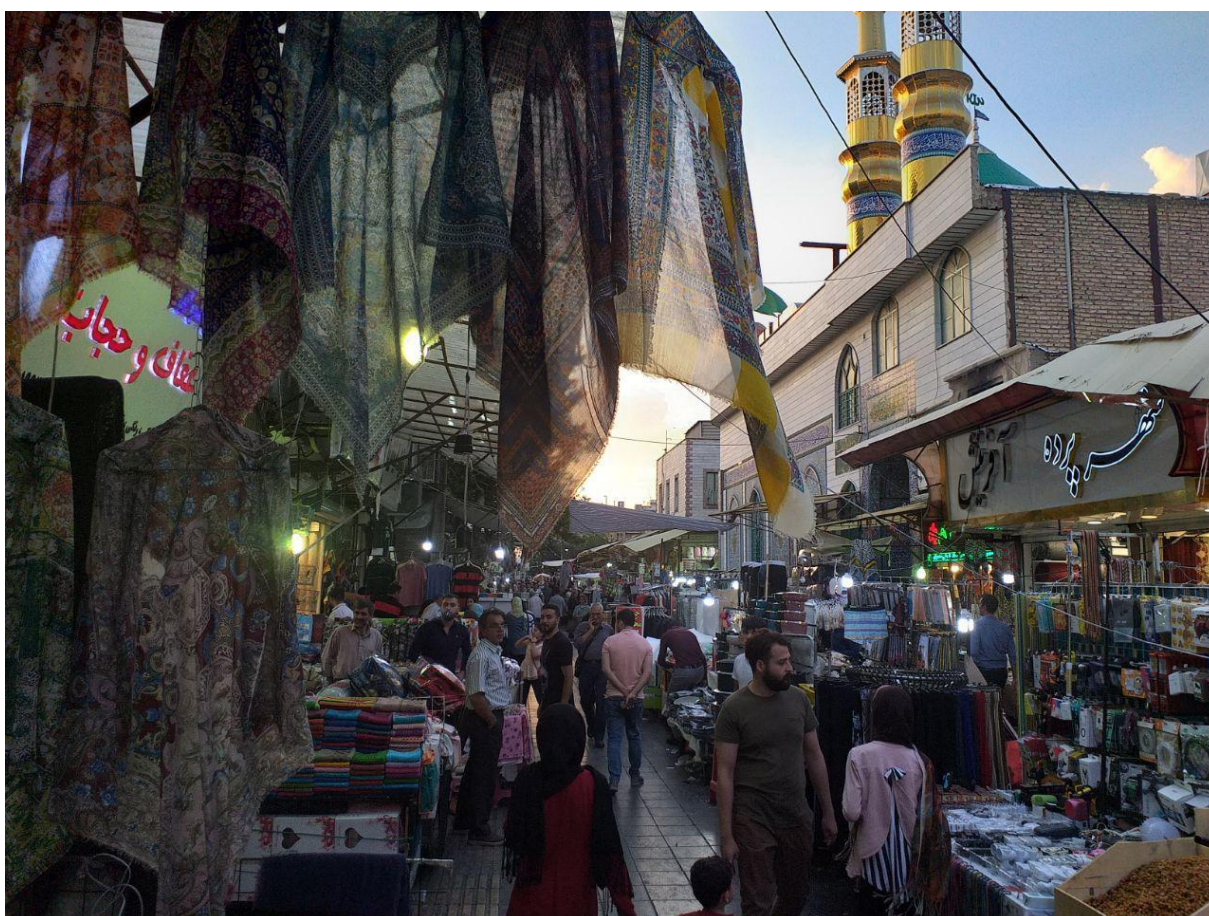


تصویر شماره ۸

اسباب بازی فروشی

در هیچ کدام از واحدهای صنفی مستقر در بازار احسانی، اسباب بازی فروش به چشم نمی خورد، اما ۱۲ دستفروش مشغول فعالیت در این صنف اند که قطعا رونق خوبی دارد، چرا

که کالای مکملی برای سیسمونی فروشان خیابان احد بوده و از طرفی ممکن است توجه کودکانی که با خانواده برای خرید به بازار می آیند را جلب نمایند .



تصویر شماره ۹

مسجد علی ابن ابی طالب تاسیس ۱۳۶۰.

این مسجد متعلق به آتمیان های مقیم مرکز است.

خیابان احسانی به طور فرضی به چند منطقه تقسیم شده است.

این قسمت از بازار را راسته «آتمیانیها» می گویند، چرا که مالکین این راسته تمام اهل سراب و روستای آتمیان بوده و برخی همچنان خود در این مکان سکونت دارند.



تصویر شماره ۱۰

روی بنر عبارت «شهر بازی» چاپ شده است. و شاید بی راه هم ننوشته باشند. بازار عبدال آباد همه چیز است، از آن خشکی و زمختی بازارهای قدیم و سنتی که جدایت چندانی برای بچه ها نداشت در اینجا خبری نیست، اما فانتری بیش از حد مال ها را هم ندارد.

می توان گفت: عبدال آباد هم شهر بازی هست و هم نیست!

در کل راسته احسانی، ۶ جایگاه ماشین و موتور برقی دارد که هر کدام از این ماشین های پولی به رنگ و طرح و شکل متفاوتی هستند.

نظر والدین نسبت به این ماشین ها مثبت است، و این رضایت مشتری خود مهر تاییدی برافزایش تقاضای خرید ماشین های برقی توسط دستفروشان است که معمولاً اهل کشور افغانستان می باشند.



تصویر شماره ۱۱

طبق اسناد، خرید و پرسه زنی در بازار از دوران صفویه به ویژه در میان زنان طبقات متوسط و بالا متداول بوده است.

تغییر شهر از حالت سنتی به مدرن و با ایجاد مراکز خرید بیشتر بخصوص در فضایی دور از خانه، امکان پرسه زنی زنان تمام طبقات در جامعه مهیا شد.

چیزی که امروزه در جامعه به بازار درمانی معروف شده است.

در این تصویر بغیر از فروشندگان و چند رهگذر مرد، بقیه افراد حاضر در عکس زن هستند.

جکسون (۱۹۹۷) در رابطه با میزان حضور زنان در مصرف مدرنیته، بیان می دارد که سیستم های حمل و نقل سریع به زنان طبقه متوسط امکان می داد به محدوده های سکونتی دسترسی آسان تری داشته باشند و حضور فزاینده آن ها در مناطق مرکزی شهر نیز به مشروعیت بخشی به ثروت و قدرت بورژواها کمک می کرد و توسعه جامعه مصرفی را سهولت می بخشید.

به نظر می رسد که بتوان چنین تحلیلی را نیز برای این عکس و سایر موقعیت های مشابه استفاده نمود.

با نگاهی ساده و گذرا می توان به ترکیب جمعیتی خریداران پی برد.

آنها زنانی از دور و نزدیکند که برای خرید و یا پرسه زنی به بازار آمده اند.



تصویر شماره ۱۲

زنان در حال قیمت گیری و صحبت پیرامون کیفیت زرد آلوهای نوبرانه بازار.



تصویر شماره ۱۳

خیابان ها فقط متخصص خرید و فروش نیستند بلکه مکانی برای فعالیتهای بی شماری

است که در آنها همزیستی به وجود می آید.» برگرفته از کتاب شهرها و مصرف»

افراد در اینجا با یکدیگر آشنا می شوند، رفاقت می کنند، نصف روزشان را در بازار سپری می کنند و... زندگی آنها در بازار نه تنها متوقف نمی شود، بلکه برای رونق و شور بیشتر آن، چاره هایی نیز اندیشه می کنند.

چندین قفس قناری، بر روی رگال لباس ها.



تصویر شماره ۱۴

پسر سبزی فروش.

علاوه بر دستفروشان ثابتی که به ازای هر کاشی به صاحب مغازه پول پرداخت می کنند، دستفروشان سیاری نیز وجود دارند که در طول بازار گردش کرده و به مشتریان و خود اهالی و کسبه سبزی پاک کرده می فروشند.

زمانی که ۲ هفته بعد جهت مصاحبه با بازاریان دوباره به عبدل آباد بازگشتم، نزدیک به تعطیلی بازار، سبزی فروش ای که اهل کشور افغانستان بود، سه بسته ی آخر بارش را به عنوان نذری بین من و فروشندگان تقسیم کرد.



تصویر شماره ۱۵

پسرک آب فروش.

کوچک ترین فروشنده بازار که با گاری کوچک خود آب می فروشد.

فروشندهگان سیار معمولاً با توجه به موقعیت آب و هوایی و فصول، جنس فروشی یا

خدمات ارائه ای خود را تعویض می نمایند.

به طور مثال: مرد ۴۰ ساله که از بچگی در این کار بوده است، زمستان ها باقالی و تابستان ها

فالوده و آبمیوه می فروشد و قطعاً عقلانیت بازار نیز همین را از او می خواهد.



تصویر شماره ۱۶

مسجد سید الشهداء. مسجد قزلگچیان مقیم مرکز.

تاسیس ۱۳۷۸

طبق آن خط فرض که بازار به را چند گروه و دسته تقسیم می کند، این قسمت از بازار و مسجد متعلق به مردمان قزلگچیان شهرستان سراب می باشد.



تصویر شماره ۱۷

تابلو فروش و تزئین و نصب جالب آنها بر روی دیوار مسجد سید الشهدا.

عصر بهاری. همکاران در حال گپ و گفت دوستانه و گذران اوقات فراغت (اوقات بدون مشتری).



تصویر شماره ۱۸

نظام اجاره کاشی (مقدار زمین مورد نیاز برای برپایی بساط) در عبدل آباد از سیستم پیچیده ای تبعیت می کند.

در حالی که افراد می توانند خود، مستقیماً کاشی را از صاحب مغازه اجاره کنند، دلال ها و واسطه هایی در این بین وجود دارند که ابتدا زمینی از صاحب مغازه اجاره کرده، سپس همان زمین را برای مدت محدودی در دست چند نفر به گردش در می آورند!



تصویر شماره ۱۹

یکی از دو گل فروش بازار.

یکی از اصنافی که رونق خوبی در بازار عبدال آباد دارد، فروش لوازم خانگی، آشپزخانه می باشد.

لوازم آشپزخانه با تعداد ۲۵ دستفروش در ردیف چهارم پر تعداد ترین صنف بازار است.

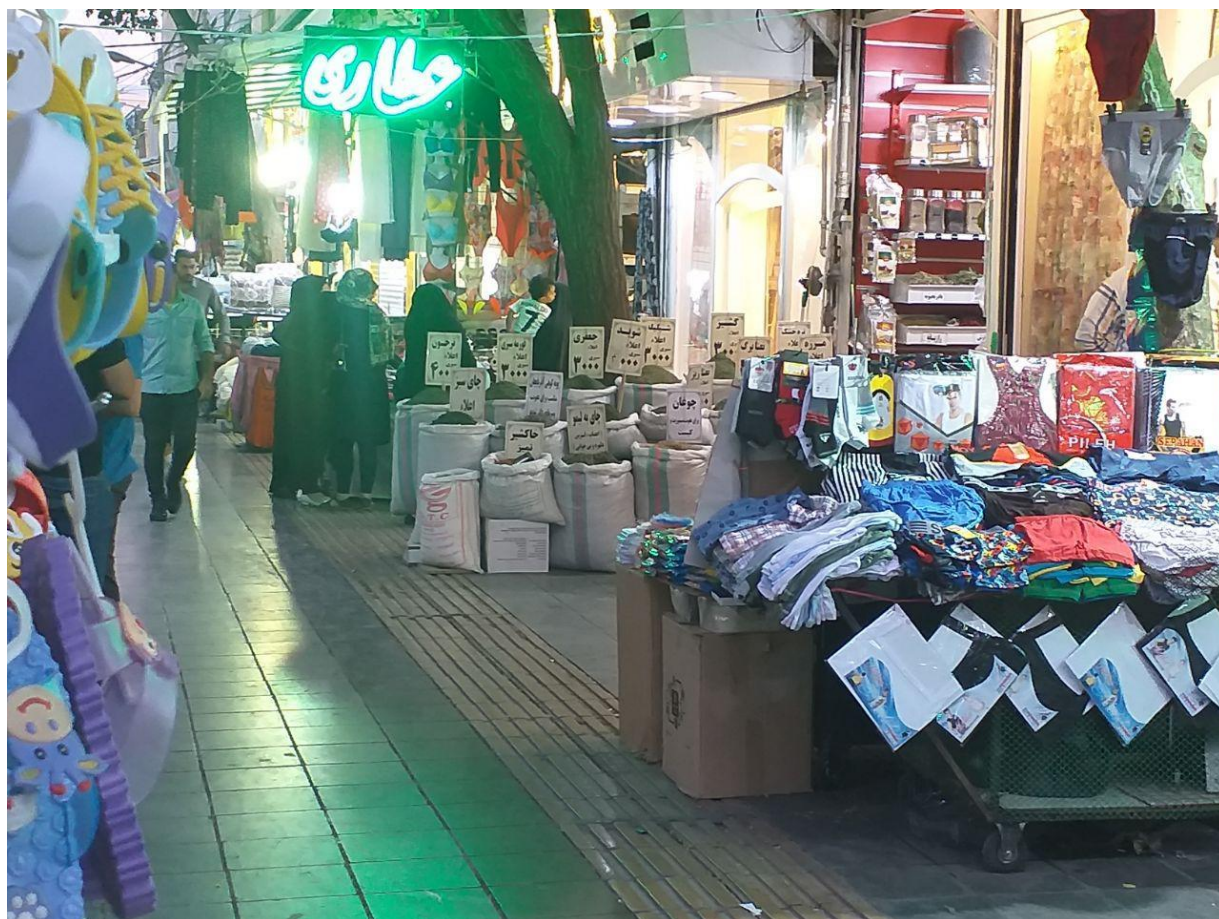
گرچه ۳۸ مغازه ثابت داخل بازار نیز به فروش لوازم خانه و آشپزخانه مشغول اند: اما کشش بازار برای فروش چینین کالایی خوب است.

یکی از دلایل آن حضور زیاد زنان در بازار است. اما دلایل دیگر نیز به تامین کالاهای
جانمایی و مکملی در سطح بازار اشاره کرد.

بازار عبدل آباد علاوه بر شناخته شدن برای بازار پارچه، یکی از مقاصد خانواده هایی است
که قصد خرید جهزیه را دارند.

مثلا یکی از صاحب مغازه های پرده به من می گوید:

اونقدر آدم دیدم صبح اومدن تا عصر جهزیه دخترشو از همین راسته خریدن و رفتن.



یکی از ویژگی های خوشایند بازار، داشتن بو و عطر مخصوص به خود است.

عطری که خبر از اجناس داخل بازار دارد. مانند گل محمدی، سبزی خشک شده، دارچین و هل و... استشمام این بوهای لطیف، اصالت و وقار بیشتری به بازار می بخشد و فضاهای سرد و بی روح آجر و سنگ را زنده و دارای هویتی خاص می کند.

گرچه عطاری ها و ادویه فروشی های بازار عبدل آباد، به تعداد انگشتان دو دست نمی رسد، اما همین چند مغازه نیز کار خودشان را می کنند.



تصویر شماره ۲۱

زیبا، دلفریب؛ و شکیل.

یکی از بیست و پنج بساطی لوازم آشپزخانه بازار.

فروشدگان تمام اینها را بر روی گاری های بزرگ خود چیده و تزئین می کنند، با فرا رسیدن شب و پایان ساعت کاری، با حوصله تمام آنها را در قوطی هایشان بسته بندی می کنند.

بازار عبدل آباد، نگهبان ندارد، در ورودی و خروجی نیز ندارد و از هر طرف امکان دسترسی به آن وجود دارد، با این حال کسی تابحال نشنیده است که از بساط یا مغازه ای دزدی کنند.



تصویر شماره ۲۲

انتهای خیابان احسانی. تقاطع خیابان مطهری و شکوفه

اوج شلوغی بازار. ساعت ۸ شب.



تصویر شماره ۲۳

فروشنده‌گان داخل بازار موتورهای خود را در بلوار باریک وسط خیابان شکوفه می گذارند.

گرچه اغلب فروشنده‌گان ساکن عبدل آبادمی باشند، اما از مناطق همجوار مثل منطقه ۱۶ نیز کسانی برای کار به بازار می آیند.



تصویر شماره ۲۴

سیستم حمل کالا در بازار احسانی (عبدل آباد) از چند مورد تجاوز نمی کند.

وانت - درشکه و پیک موتوری.

بیشترین حمل بار بر عده وانت می باشد. مخصوصا اجناسی که از بازار ۱۵ خرداد خریداری

می گردند.

اما به دلیل نزدیکی برخی تولید کنندگان، مانند تولیدی پوشاک بچه، از درشکه و گاری های دستی برای رساندن بار به مقصد استفاده می نمایند.



تصویر شماره ۲۵

بازار احسانی (عبدل آباد) تعطیل می گردد و افراد خسته از یک روز کاری و... به خانه هایشان باز می گردند.

اما در این طرف خیابان (روبروی بازار احسانی) تازه کسب روزی آغاز می گردد.

گرچه رونق و شلوغی روز و بازار را ندارد، اما برای رهگذران، لحظه‌ی توقف و براندازی جنس و پرسش از قیمت است و تمام این مکث‌ها و صحبت‌ها، شانسی برای چانه زنی و احتمال معامله است.